

ماهیت ریسک در معاملات اعتباری

نادر مظلومی

رئیس مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو

مقدمه

فعالتهای اقتصادی همواره مستلزم فراهم آوردن تسهیلاتی بوده است که در عین حال رشد آن را نیز به همراه داشته باشد. در چارچوب این فعالتهای تولید کالا و سپس انتقال آن تا مصرف کننده نهایی، مراحل و مسیرهای گوناگونی را طی می کند که هر مرحله خدمتی اصلی یا جنبی برای ایجاد تسهیل تبادل در شرف وقوع است. اعطای تسهیلات اعتباری از جمله این موارد است و نقش عمده ای در مبادلات تجاری ایفا می کند.

سازمانهای گوناگون با هدفهای تقریباً مشابه، لیکن با شیوه های متفاوت برای پیشبرد امور تجاری خود به اعطا یا دریافت اعتبارات می پردازند. همه سازمانهای اعتبار دهنده، بدون توجه به هدفی که از این شیوه تعقیب می کنند، بی درنگ با اتخاذ چنین سیاستی در گردش کار بازرگانی، خود را در معرض ریسک سر باز زدن استفاده کنندگان این تسهیلات در پرداخت دیون، قرار می دهند. پیامدهای چنین ریسکی در مواردی، ممکن است تنگناهای مالی شدید یا حتی ورشکستگی اعتبار دهنده باشد.

براین اساس، مؤسسات و شرکتهایی که از اعطای اعتبارات برای امور تجاری و خاصه فروش خود استفاده می کنند، امروزه از شیوه های گوناگونی برای مقابله با این ریسک سود می جویند. پاره ای از اقدامهای به عمل آمده در این زمینه ها جنبه مالی دارند و برخی دیگر جنبه های پیشگیرانه و غیرمالی. بیمه از جمله تکنیکهای مالی مورد استفاده برای مقابله و اداره کردن ریسکهاست. در مورد معاملات اعتباری و ریسکهای ناشی از آن نیز امروزه ساز و کار بیمه به صورتهای گوناگونی مورد استفاده قرار می گیرد و بازارهای بیمه ای هریک به فراخور حال و نیاز جامعه اقتصادی خود، محصولات

متنوعی تحت این عنوان ارائه می‌کنند.

عملکرد بیمه به مثابه یک ابزار مالی و روشی برای تأمین مالی ریسکها، از لحاظ نظری همواره مبتنی بر حضور و وجود پیش فرض‌هایی بوده است که بدون وجود این پیش فرض‌ها و شرایط خاص، ساز و کار بیمه قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر، فرض غالب تاکنون آن بوده است که حیطة فعالیت بیمه محدود به ریسکهایی است که اصطلاحاً و برحسب طبقه‌بندی‌های رایج، خالص یا ایستا خوانده می‌شوند. لذا آن گروه از ریسکها که ناشی از فعالیتهای اقتصادی و سودجویانه‌اند و با نامهای ریسکهای شرطی / سودجویانه^۱ یا پویا شناخته می‌شوند خارج از محدوده توجهات عملکرد بیمه قرار می‌گیرند.

نزدیک به یک سده از صدور نخستین بیمه‌نامه‌های اعتبارات داخلی می‌گذرد. تاریخ صدور بیمه‌نامه‌ها و ضمانتنامه‌های اعتبارات صادراتی نیز به دوران پس از خاتمه جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در این مقاله سعی خواهد شد با تشریح شرایط لازم برای بیمه‌پذیری ریسکها، امکان انطباق این پیش شرطها با ریسکهای ناشی از معاملات اعتباری فراهم آید. گرچه این بحث نظری است، لیکن شناخت محدودیتها و میزان دامنه انطباق کمک خواهد کرد که درک جامع‌تری از چگونگی استفاده از ساز و کار بیمه در این زمینه خاص به دست آوریم. بدین منظور در بخش دوم ضمن نگرشی کلی و اجمالی به مفهوم ریسک، طبقه‌بندی مقداری آن ارائه می‌شود. بخش سوم با عنایت به طبقه‌بندی ریسکها، به خصوصیات ریسکهای بیمه‌پذیر می‌پردازد و بخش چهارم مقابله‌ای بین ریسکهای معاملات اعتباری و خصوصیات مزبور به عمل می‌آورد. بخش آخر نیز به مباحثی در زمینه بیمه اعتبارات اختصاص یافته است.

۱. تسهیلات اعتباری

در هر معامله‌ای، اعم از داخلی یا بین‌المللی، زمانی که پرداخت وجه کالای خریداری شده پس از دریافت کالا یا خدمات انجام بگیرد نوعی از اعتبار را که فروشنده (یا بانک) به خریدار اعطا کرده می‌توانیم مشاهده کنیم. خریدار در این گونه عملیات تجاری، کالا یا خدمات را در قبال قول پرداخت وجه آنها در تاریخی مشخص یا تاریخ معین در آینده

تحويل می‌گیرد.

در دنیای امروز، خدمات مالی نوپدید و از جمله تسهیلات اعتباری، نقش حیاتی در رشد تبادلات بازرگانی در دو سطح داخلی و بین‌المللی بازی می‌کنند و تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی هر جامعه‌ای دارند. سکه و پول رایج راه تداوم قدیمی‌ترین محصولات خدمات مالی به شمار آورد که بدون آن تبادل تجاری امکان‌پذیر نبوده است، لیکن امروزه امکان عرضه شرایط پرداخت مدت‌دار به مشتریان، عامل کلیدی در تصمیمات خریداران به شمار می‌آید. بدین سبب دسترسی ناکافی به سیستمهایی که بتوانند خدمات مالی مورد نیاز را به صورتی کارا در اختیار قرار دهند و به صورتی مقرون به صرفه به تأمین مالی تجاری بپردازند، عامل بازدارنده در توسعه تجارت و مزایای ناشی از آن است.

کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد (انکتاد) موضوع مزبور را در سایه تحولات اقتصادی فراگیر در سطح بین‌المللی و از زاویه تجارت جهانی به طور مشروح بررسی کرده و نتیجه گرفته است که توسعه مستمر تجارت بین‌الملل بین کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار مستلزم ایجاد فضایی است که در آن فضا از فنون پیشرفته تأمین مالی تجارت (تسهیلات اعتباری) و بیمه‌های مرتبط با آن به آزادی بتوان استفاده کرد.^۱ در یک بررسی دیگر، انکتاد گزارش می‌کند که حجم مبادلات بین‌المللی بین کشورهای با اقتصاد بازار پیشرفته و کشورهای در حال توسعه و همچنین مبادلات بین کشورهای در حال توسعه با یکدیگر در حال افزایش است. حجم تجارت بین اقتصادهای پیشرفته با کشورهای در حال توسعه سالیانه بالغ بر ۴۵۰ میلیارد دلار بوده است که ۱۴ درصد از کل تجارت جهان را به خود اختصاص می‌دهد. تجارت بین کشورهای در حال توسعه سالیانه ۲۰۰ میلیارد برآورد می‌شود که ۳۰ درصد کل تجارت این کشورهاست. بنابر این گزارش در حالی که تجارت بین اقتصادهای بازار آزاد پیشرفته با یکدیگر یا با کشورهای در حال توسعه در بهترین حالت از افزایش کمی برخوردار است، شتاب فزاینده‌ای را می‌توان در روابط تجاری بین کشورهای در حال توسعه مشاهده کرد. این روند در جدول زیر خلاصه شده است.^۲

۱. UNCTAD, (TD/B/WG. 2/11/ADD.3), ۱۹۹۴. فصلهایی از این بررسی در فصلنامه صنعت بیمه (سان دهم، شماره ۳۸) ترجمه و چاپ شده است.

2. UNCTAD, (TD/STAT. 20), 1993.

متوسط نرخ رشد سالیانه صادرات (به درصد)

| | کشورهای با اقتصاد بازار بیشتر فته (DMECS) | | کشورهای در حال توسعه (DCS) | |
|-------|--|-----------------------|-------------------------------|-----------------------|
| | $\frac{84-86}{87-89}$ | $\frac{87-89}{90-91}$ | $\frac{84-86}{87-89}$ | $\frac{87-89}{90-91}$ |
| DMECS | ۱۵/۰۰ | ۹/۸ | ۱۰/۹ | ۱۲/۴ |
| DCS | ۸/۰۰ | ۸/۷ | ۵/۲ | ۱۳/۶ |

در پژوهش دیگری که صندوق بین‌المللی پول انجام داده و در سال ۱۹۹۰ منتشر کرده است، موضوع توسعه و دورنمای «اعتبارات صادراتی رسماً حمایت شده» مورد بررسی قرار گرفته است.^۱ بر اساس مندرجات این پژوهش، پس از بروز بحران بدهیهای خارجی در اوایل دهه ۱۹۸۰، حمایت رسمی از اعطای اعتبارات صادراتی به کشورهای در حال توسعه رو به کاهش گذاشت. هرچند بخشی از این کاهش ناشی از کاهشی بود که در تقاضای برای واردات جهت تعادل بخشیدن به تراز پرداختهای خارجی ایجاد شده بود. سازمانهای ارائه دهنده اعتبارات صادراتی نیز با افزایش کشورهای بدهکار، دسترسی به پوششهای بیمه‌ای را محدودتر ساختند، در نتیجه در میانه دهه ۱۹۸۰ تقاضا برای اعتبارات صادراتی کاهش بیشتری یافت و افت درآمد کشورهای نفتخیز که با کاهش واردات آنها همراه بود بر وخامت اوضاع افزود.

با وجود آنکه پژوهش مزبور مربوط به سال ۱۹۹۰ است و شاید تا حدودی قدیمی به نظر برسد، لیکن در هر حال گزارش می‌کند که این روند کاهش یابنده از سال ۱۹۸۸ نه تنها متوقف شده است بلکه اغلب سازمانهای ارائه دهنده پوشش بیمه‌ای اعتبارات صادراتی با تقاضای روزافزونی مواجه شده‌اند. به نظر می‌رسد که با شیوه‌های جدید مورد استفاده کشورهای مختلف، سازمانها و بانکها در اداره بدهیها، تغییری در روند ایجاد شده حاصل نیامده باشد. با عنایت به آنچه مطرح شد، نتیجه‌گیری کلی زیر حاصل می‌شود:

۱. حجم مبادلات بازرگانی داخلی و همچنین بین‌المللی رو به تزاید است. افزایش

1. "Officially Supported Export Credits", *World Economic Financial Surveys*, 1990.

میزان مبادلات همراه با افزایش حجم و گوناگونی تسهیلات اعتباری است که در هر اقتصادی، ناگزیر برای گردش کار تجارت داخلی یا صادرات آن کشور باید در اختیار قرار بگیرد.

۲. روند مبادلات بازرگانی بین کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است. ادامه روند کنونی، ناگزیر مستلزم ایجاد شرایطی است که براساس آن دو طرف تجاری بتوانند بر مبنای مبادلات اعتباری عمل کنند.

۳. تجارتی که با استفاده از تسهیلات اعتباری انجام می‌گیرد (اعم از اینکه داخلی باشد یا خارجی، در سطح ملی باشد یا بین کشورهای با اقتصاد در حال توسعه با یکدیگر) با ریسکهای گوناگونی مواجه است. کشورهای در حال توسعه چنانچه بخواهند جزو مصادیق بندهای ۱ و ۲ باشند، ناگزیر باید لوازم ایجاد اطمینان خاطر لازم را برای معاملات اعتباری در اقتصاد خویش فراهم آورند. همان بستری که کشورهای با اقتصاد بازار پیشرفته برای فعالیتهای بازرگانی خود گسترانیده‌اند.

حال می‌توانیم با ارائه یک تقسیم بندی کلی از انواع معاملات اعتباری به شکل زیر با خاتمه این بحث به موضوع بعدی پردازیم، هر چند باید گفت که این تقسیم بندی کاملاً جنبه نظری دارد و در برگیرنده تمامی حالات و جنبه‌ها نیست.

| اعتبارات مرتبط با مبادلات داخلی | | اعتبارات مرتبط با مبادلات خارجی | |
|---------------------------------|-----------------------|---------------------------------|---------------|
| نوع تأمین مالی | نوع مبادله | نوع تأمین مالی | نوع صادرات |
| - وامهای بانکی | - خرید کالا | - قبل از صدور | - صدور کالا |
| - تأمین مالی سازمانهای | و خدمات | - پس از صدور | - صدور خدمات |
| مالی و اعتباری: لیزینگ | - سرمایه‌گذاری تولیدی | - اعتبارات کوتاه مدت | - صدور سرمایه |
| - فروشهای اعتباری: فاسطی | - ساخت مکن | - تأمین میان مدت و بلند مدت | |

۲. ریسک و انواع آن

واژه «ریسک» مفاهیم متعددی دارد. زمانی که به ادبیات بیمه مراجعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که هریک از مؤلفان به فراخور حال، تعریف خاص مورد نظر خود را با اقامه دلایل و مباحث گسترده مطرح کرده است. هدف این مقاله وارد شدن و پرداختن به مباحث نظری مطرح پیرامون ریسک نیست، بلکه مقصود از طرح این مبحث کسب درک

اجمالی، کلی و واحد از ریسک است. چنین درک واحدی زمینه را برای بازشناسی انواع ریسکها و موقعیتهای درگیر با ریسک مهیا می‌سازد.

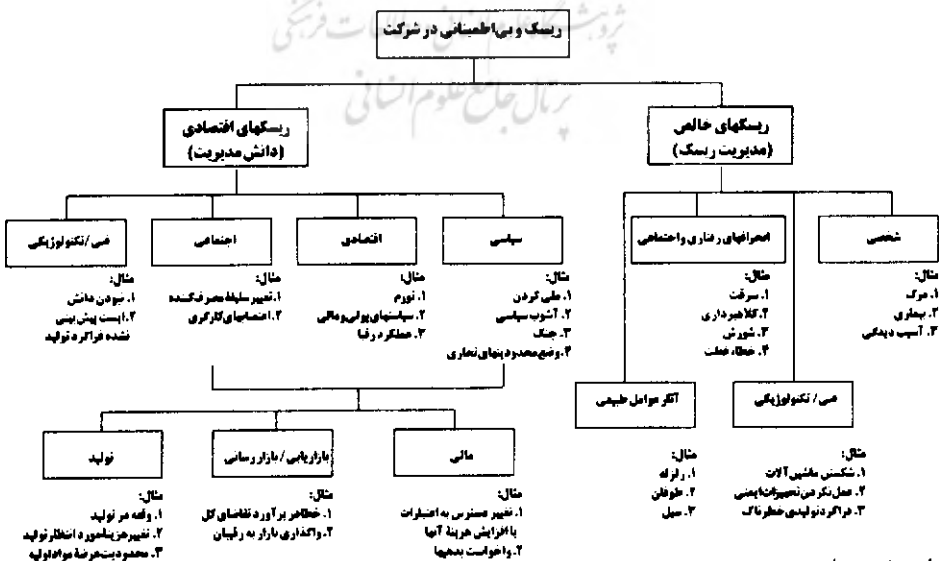
با آنکه تعاریف متعددی از ریسک به عمل آمده است، می‌توان ادعا کرد که همه این تعاریف برای بیان موقعیتهایی ارائه شده‌اند که سه عامل مشترک را در آنها می‌توان باز شناخت. بنابراین ما در موقعیتهایی با ریسک مواجه می‌شویم که اولاً عمل یا اقدام مان بیش از یک نتیجه به بار می‌آورد. ثانیاً تا زمان حصول و ملموس شدن نتیجه نهایی نمی‌دانیم (به درجات مختلف) کدام یک حاصل خواهد شد. ثالثاً حداقل یکی از نتایج ممکن الوقوع می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای ما به همراه بیاورد.

چنانچه اندکی در محاوره‌های روزمره خود که با به کار بردن لفظ ریسک انجام می‌گیرد تأمل نماییم، متوجه می‌شویم که در واقع با استفاده از این واژه، هر سه مفهوم بالا را به شنونده منتقل کرده‌ایم. به دیگر سخن نامعلومی^۱ نتایج یک عمل، اقدام یا وضعیتی را گوشزد کرده‌ایم. در مواردی به طور کلی در مورد چگونگی نتایج آینده بی‌اطلاع می‌مانیم و در مواردی دیگر با این فرض که با شقوق مختلف این نتایج آشنا باشیم بر مبنای تجربه و حدس، تقریبهایی در مورد امکان وقوع هر یک می‌زنیم. در حالتی خاص نیز مشروط به حاضر بودن پیش فرض‌هایی که آن حالت را خاص ساخته است می‌توانیم با استفاده از فنون آماری و قوانین احتمالات با دقت نسبی شناخت دقیق‌تری از احتمال وقوع این نتایج به دست آوریم. با حرکت از سوی نامعلومی کامل نتایج، به طرف نامعلومی نسبی آنها، ملاحظه می‌شود که ریسک نیز کمتر می‌شود. در واقع این واقعیت با ادراک متعارف ما نیز همخوانی دارد. چرا که هرچه آینده برای ما روشن‌تر و نامعلومی‌های آن کمتر باشد خود را کمتر در معرض ریسک و «خطر» می‌بینیم و بالعکس.

با مقدمه‌ای که ذکر شد اینک می‌توانم موقعیتهای مختلف را از لحاظ نوع ریسکی که در آنها نهفته از یکدیگر بازشناسیم. همان طور که ذکر شد مضمون ریسک را نامعلومی آینده تشکیل می‌دهد. با استفاده از این مفهوم حال در چارچوب کلی می‌توانیم نامعلومی‌ها و به تبع آن ریسکها را به دو گروه تقسیم کنیم. نوع اول، آنها که نامعلومی ناشی از تغییرات احتمالی است که فقط در جهت زبان و ضرر می‌تواند رخ دهد. به

عبارت دیگر در این موقعیتها شرایط قبلی و خواسته ما واقع می شود یا اگر نشد زیان و ضرری متوجه ما خواهد شد؛ در نوع دیگر تغییرات محتمل در دو جهت می توانند حرکت کنند. یعنی یا شرایط و خواست فعلی تکرار می شود و اگر تغییری در آن رخ بدهد این تغییر می تواند حامل زیان و ضرر یا سود و منفعت باشد. این دو حالت را اگر برحسب نتایج حاصل ممکن الوقوع بخواهیم نام گذاری کنیم، در آن صورت موقعیتهای نوع اول را ریسکهای خالص یا واقعی و موقعیتهای نوع دوم را ریسکهای شرطی یا سودجویانه می نامیم. چنانچه همین موارد را بر مبنای دلیل پیدایش تغییرات گروه بندی کنیم، در آن صورت به ترتیب ریسکهای ایستا و ریسکهای پویا خوانده می شوند.

نمودار زیر، با بیان مثال برای هر مورد تصویر گویایی از طبقه بندی ریسکها و دلایل پیدایش هر یک به دست می دهد. جالب است اشاره شود که ریسکهای «ایستا» همواره همان «خالص» یا «حقیقی» هستند. بنابراین با وجود به کار بردن شیوه های متفاوت برای طبقه بندی آنها از لحاظ مفهوم معرف موقعیتهای یکسانی هستند. قاعدتاً ریسکهای «پویا» نیز به طریق اولی باید همان ریسکهای «سودجویانه» باشند، لیکن موقعیتهای خاص یک ریسک برحسب علت پیدایش «پویا» طبقه بندی می شود ولی از لحاظ نتیجه حاصل می تواند جزو ریسکهای حقیقی یا خالص به شمار آید.



همان طور که در بخش اول ملاحظه شد، معاملات اعتباری را به دو گروه کلی داخلی و خارجی تقسیم کردیم. لذا هریک را از زاویه ریسک مستقر در هریک از آنها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در اعتبارات داخلی، پیامدهای فعالیت تجاری انجام یافته برای وام دهنده روشن نیست. خریدار به دلایل مختلف امکان دارد توان پرداخت وجه خرید تعهد شده‌اش را پیدا نکند. در چنین معامله‌ای اولاً اعتبار دهنده با هر سه پیش شرط وجود ریسک مواجه است. ثانیاً ریسک بدو ماهیتی شرطی و سودجویانه دارد چرا که این شیوه عمل در تجارت می‌تواند برای وام دهنده متضمن منفعت یا زیان باشد. به علاوه وام دهنده می‌تواند به امید فروش بیشتر، وام‌های با پیش شرط‌های سهل‌تر را در اختیار خریدار قرار دهد. در نتیجه ریسکی بیش از حد طبیعی را متحمل شود. از سوی دیگر پاره‌ای از عوامل قرار گرفتن چنین معاملاتی در معرض ریسک، خارج از کنترل وام گیرنده و وام دهنده قرار دارد و می‌تواند اتفاقی باشد. بدین علت این نوع معاملات تجاری در معرض ریسک‌های حقیقی نیز قرار می‌گیرند. در مورد معاملات اعتباری خارجی نیز با چنین استدلالی مواجه هستیم. با این تفاوت که در اعتبارات صادراتی نکول وجه می‌تواند ریشه در مسائل سیاسی نیز داشته باشد. در واقع در این گروه از اعتبارات نیز با ریسک‌های سودجویانه و پویا مواجه هستیم. هرچند در این مورد نیز عواملی را می‌توان مشاهده کرد که خارج از کنترل فروشنده (وام دهنده) باعث پیدایش نامعلومی در فعالیتها می‌شوند. بنابر این رگه‌هایی از ریسک‌های خالص و حقیقی را می‌توان دید که این نوع عملکرد تجاری را تهدید می‌کنند. حال با توجه به نکاتی که مطرح شد می‌توانیم به نتیجه گیری زیر برسیم:

۱. ریسک، مفهومی مجرد نیست بلکه امری واقعی است. بدین معنا که مستقل از شناخت و ذهنیت ما وجود دارد و با تبعات اقتصادی نامطلوبش ما را تهدید می‌کند.
۲. برای اینکه بتوانیم در مقابل ریسکها واکنش مناسبی نشان دهیم ناگزیر باید ذهنیت خودمان را با ریسک‌های موجود متطبق سازیم، لذا به دست آوردن اطلاعات و شناخت دقیق از ریسکها امری ضروری است.
۳. معاملات اعتباری برحسب نتیجه گیری بخش اول در سطح داخلی یا به صورت خارجی از اهمیت بسیاری برخوردارند و به ویژه این اهمیت برای کشورهای در حال توسعه رو به تزاید است. استفاده از این شیوه برای رونق بخشیدن به معاملات خاصه در

ابعاد خارجی آن با توجه به موقعیت هریک از کشورها با ریسک و نامعلومی همراه است.

۴. بیمه‌گران کشورهای در حال توسعه با درک ویژگیهای ریسک در معاملات باید در زمینه شناخت گونه‌های مختلف این ریسکها اقدام و برای کمک به اقتصاد جامعه خود پوششهای متنوع مبتنی بر شناخت به دست آمده ارائه کنند.

شرایط بیمه‌پذیری ریسکها

با آشنایی نسبی که از ریسکها به دست آوردیم اینک می‌توانیم به این باور فرهنگستانی عمومی اشاره کنیم که ریسکهای طبقه‌بندی شده تحت عنوان سودجویانه (شرطی) یا پویا «عموماً» بیمه‌پذیر نیستند. به کار بردن لفظ «عموماً» از این بابت است که در عمل تحت شرایطی خاص نمونه‌هایی از این گروه را نیز می‌توان بیمه کرد. در عین حال بیمه‌ناپذیر بودن ریسکهای شرطی به این مفهوم نیست که تمامی ریسکهای حقیقی (خالص) از قابلیت بیمه‌پذیری برخوردار هستند. به علاوه در بعضی از موارد کشیدن خط فاصل بین ریسکهای حقیقی و شرطی امکان‌پذیر نیست. از لحاظ نظری صاحب‌نظران، شرایط کمال مطلوبی^۱ برشمرده‌اند که در صورتی که هر نوع ریسکی (اعم از حقیقی یا شرطی) آن شرایط را احراز کند، آن ریسک جواز بیمه‌پذیر بودن را به دست می‌آورد. صدور حکم کلی بیمه‌ناپذیر بودن ریسکهای شرطی هم از آن روست که در اغلب موارد این ریسکها آن شرایط را احراز نمی‌کنند.

منطق در واقع ساده است. ما برای اینکه بتوانیم کالایی را بفروشیم قیمت تمام شده‌اش باید برای تولیدکننده محاسبه‌پذیر و برای مصرف‌کننده مقرون به صرفه باشد. در بیمه، آن بخش از قیمت تمام شده که هزینه‌های اداری و از جمله هزینه‌های استحصال و سود بیمه‌گر را منعکس می‌کند به راحتی محاسبه‌پذیر است. لیکن بخش اصلی قیمت تمام شده بیمه مربوط می‌شود به کالای تولید شده. کالای تولید شده تأمین است که بیمه در مقابل ریسکها ایجاد کرده است. بنابر این محاسبه میزان تأمین میزان ریسک بر حسب شدت و تواتر آن تقریب زده می‌شود. چنین محاسبه‌ای بسته به اینکه تا چه حد بخواهیم کالای مقرون به صرفه تولید بشود یا تا چه حد خریدار آن را

مقرون به صرفه تلقی کند و ریسک‌گریزی خود را با آن اقناع نماید، می‌تواند سرانگشتی یا منطق با قوانین دقیق آمار و ریاضیات انجام بگیرد.

به مجرد مطرح شدن استفاده از قوانین آماری و تئوریهای احتمالات، وجود پیش‌شرط‌هایی همچون کافی بودن تعداد «ریسک‌های» متجانس با پیامدهای مالی محاسبه‌پذیر برای تخمین میزان ریسک، ضرورت پیدا می‌کند. بنابر این اگر ریسک‌های شرطی یا پویا قابلیت بیمه‌پذیری ندارند، به این علت است که:

۱. نمی‌توان احتمال وقوع آنها را با دقت کافی تخمین زد. چون پیش‌شرط‌های مذکور را ندارند.

۲. معمولاً این ریسک‌ها همراه با خسارت‌های فاجعه‌آمیز هستند. بدین صورت که از پراکندگی کافی برخوردار نیستند و خسارت می‌تواند زنجیره‌وار و گسترده واقع شود.

۳. به علت نداشتن پراکندگی مکانی و جغرافیایی کافی، امکان جبران خسارت‌های ناشی از این ریسک‌ها در یک محل از محل درآمدهای نواحی دیگر مشکل است.

۴. در بسیاری از موارد، بیمه کردن این ریسک‌ها مستلزم آن است که بیمه‌گر در عمل در نقش شریک تجاری بیمه‌گذار ظاهر شود. نقشی که چندان اجرا شدنی و ملموس نیست.

۵. از آنجا که در این قبیل ریسک‌ها بیمه‌گذاران امکان تأثیرگذاری بر وقوع خسارت‌ها را دارند، ریسک خصلت اتفاقی بودن خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر، شرایطی که انگیزه‌های مالی وقوع خسارتی را توجیه می‌کند، امکان ایجاد خسارت را برای بیمه‌گذار افزایش می‌دهند.

علاوه بر نکات ذکر شده که به صورت کلاسیک در باب بیمه‌پذیری ریسک‌ها عنوان شد، نویسندگان دیگری نیز به این موضوع پرداخته و جنبه‌های دیگری از آن را مطرح ساخته‌اند. در گزارشی که شرکت «سویسری» در سال ۱۹۹۲ به چاپ رسانده است، آقای «برلانیر» که یکی از اکتوئرهای شناخته شده آن شرکت است، در مقاله خود^۱ ۹ معیار زیر را معرفی می‌کند. از نظر وی این معیارها ملاک تعیین‌کننده تمایل شرکت‌های بیمه به ارائه پوشش بیمه‌ای به یک ریسک خاص به شمار می‌آیند و عبارتند از:

۱. اتفاقی بودن امکان وقوع خسارت تا آن حد که بتوان آن را یک متغیر تصادفی زمانی به حساب آورد.

۲. امکان تعیین حداکثر خسارت ممکن الوقوع.
 ۳. مشخص بودن متوسط خسارت برآورده شده در هر حادثه (واقعه) ناشی از ریسک مورد نظر.
 ۴. مدتی که به طور متوسط بین وقوع دو خسارت پی در پی به درازا می کشد.
 ۵. سقف حق بیمه‌ای که می توان تعیین کرد.
 ۶. تأثیر حضور «مخاطرات اخلاقی»^۱ بر گردش کار.
 ۷. نوع محدودیت‌های اعمال شده براساس سیاست‌های دولت.
 ۸. سایر مقررات محدود کننده.
 ۹. سقف و حداکثر پوششی که در بیمه‌نامه مورد نظر می توان گنجاند.
- همان طور که ملاحظه می شود ملاکهای ۹ گانه نه تنها نکات مربوط به قواعد آماری بلکه عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نیز مد نظر قرار می دهند. شرایط نام برده در مجموع چارچوبی می سازند که در محدوده آن بیمه‌گران به مانور در بازار تولید پوششها می پردازند. بدیهی است که احراز تمامی این شرایط امری نظری است و اگر نگوئیم جمع اضداد است، در واقعیت امر، تا حدود زیادی (مگر در رشته‌ها و انواع خاصی از بیمه‌ها) مصداق کامل پیدا نمی کند. بنابر این تفسیر بیمه‌گران از این مجموع شرایط که تا حدودی تفسیری ذهنی است مشخص می کند که ایشان برای چه نوع ریسکهایی تا کجا و با چه شرایطی حاضر هستند پوششهای لازم را فراهم آورند. قدر مسلم، تجربه به ایشان آموخته است که رمز موفقیت و بقای شان در بازار تولید بیمه تا حدود زیادی منوط به رعایت معیارهای ۹ گانه است.
- حال می توانیم این پرسش را مطرح کنیم که ریسکهای مستقر در عملکردهای تجاری اعتباری، تا چه حد از قابلیت بیمه‌پذیری برخوردارند و میزان انطباق این ریسکها با شرایط ذکر شده چقدر است.

در بخش قبل، با وجود تلاش به عمل آمده برای یافتن زوایایی از شرایط ریسکهای حقیقی در معاملات اعتباری، ملاحظه شد که وجه غالب در ریسکهای مربوط به این نوع عملکردهای تجاری، شرطی است. اگر در بحث قبل این ریسکها را برحسب تعاریف موجود، شرطی تلقی کردیم اینک با شناخت به دست آمده از شرایط بیمه‌پذیری،

می‌توانیم قابلیت بیمه‌پذیر بودن یا نبودن این ریسکها را تشخیص دهیم.

با تطبیق شرایط کلاسیک بیمه‌پذیری ریسکها با معاملات اعتباری متوجه می‌شویم که ریسک موجود در این معاملات، بسیاری از شرایط مورد نظر را احراز نمی‌کند. برای مثال، در این شیوه تجاری اولاً امکان وقوع خسارت تا حدود زیادی در کنترل بیمه‌گذار است؛ ثانیاً خسارت می‌تواند جنبه فاجعه آمیز برای بیمه‌گر داشته باشد. کافی است با بروز رکود اقتصادی، بسیاری از اعتبارات و تعهدات بازپرداخت نکول شود؛ ثالثاً پیش‌بینی خسارت به علت شرایط حاکم بر امر تجارت در کل و مشکلات هر بخش از تجارت در جزء، تا حدود زیادی ناممکن است. اگر نتیجه این مقابله را به زمینه اعتبارات صادراتی تسری بدهیم شمای قضیه از این هم تاریک‌تر خواهد شد. در اعتبارات صادراتی علاوه بر ریسکهای تجاری یا ریسکهای سیاسی نیز مواجه هستیم. ریسکهای ناشی از تجارت اعتباری را می‌توانیم در محدوده‌های قابل قبول با شرایط بیمه‌پذیری منطبق سازیم، لیکن چنین انطباقی در مورد ریسکهایی که ریشه در تحولات سیاسی دارند تقریباً ناممکن است.

در پایان این بخش نیز از مجموع مباحث به عمل آمده نتایج زیر را استخراج می‌کنیم:

۱. عناصر ریسک موجود در تجاری که به صورت اعتباری انجام می‌گیرد و عمدتاً شرطی است، در حالت عادی قابلیت بیمه‌پذیری ندارند.

۲. تفاوت‌های اساسی بین ریسک معاملات اعتباری با سایر ریسکهایی که بیمه‌گران به صورت متعارف به آنها می‌پردازند وجود دارد. بنابر این بیمه‌گران معمولاً تمایل یا توان ارائه پوششهای مورد نیاز را ندارند. این امر به ویژه در مورد ریسک تحولات سیاسی در اعتبارات صادراتی مشهود است.

۳. در غیاب ریسکهایی که از قابلیت بیمه‌پذیری کامل برخوردار هستند و در حضور ضرورت ارائه خدمات حمایتی به عملکردهای تجاری که بر مبنای اعتبارات (با تأکید بر اعتبارات صادراتی) عمل می‌کنند، دخالت پیدا و ناپیدای دولت در این بخش از فعالیت بیمه‌ای تحت شرایطی توجیه‌پذیر می‌شود.

۴. سایر محدودیتها

همان‌طور که ملاحظه شد، ماهیت خاص ریسک در معاملات اعتباری، عرضه پوشش بیمه‌ای آن را با مشکل مواجه می‌سازد. بی‌مناسب نیست در مورد این ریسک و علت

روی خوش نشان ندادن بیمه‌گران به آن، همچون سایر موارد بیمه‌پذیر، به دو نکته دیگر نیز اشاره شود. بیمه‌گران، صرف نظر از ماهیت حقوقی آنها، برای آنکه بتوانند ریسکی را بیمه کنند باید حتی المقدور اطلاعات جامعی در مورد آن ریسک به دست بیاورند. به عبارت دیگر، ارائه هرگونه پوششی منوط به آن است که بیمه‌گر امکان ارزیابی ریسک (در سطوح مختلف) را داشته باشد و این بدون داشتن اطلاعات ممکن نیست. این نکته در مورد اعتبارات (داخلی یا خارجی) و بیمه مربوط به آنها نیز صادق است.

بنابر یک فرضیه عمومی که ریشه اقتصادی دارد، در صورتی که دو طرف قرارداد بیمه از اطلاعات یکسانی از ریسک برخوردار باشند (که در زمینه بحث ما اطلاعات یکسان در مورد احتمال نکول تعهدات است)، در آن صورت گفته می‌شود که اطلاعات ایشان موزون یا متقارن^۱ است. تحت اطلاعات موزون یا متقارن، انتظار می‌رود که بازار بیمه، رقابتی به وجود آورد و تمامی ریسکها را با نازل‌ترین قیمت ممکن بیمه کند.^۲ در عمل، بیمه‌گذاران (وام‌دهندگان یا صادرکنندگان) در اغلب موارد بیش از بیمه‌گران در مورد ریسک مورد نظر اطلاعات دارند و در نتیجه این امکان برای‌شان فراهم است که روی شدت و تواتر خسارت تأثیر بگذارند. در چنین شرایطی، ما با اطلاعات نامتقارن یا ناموزون^۳ مواجه هستیم. اطلاعات نامتقارن، دو نکته را مطرح می‌کند. نخست آنکه بیمه‌گذار (فرضاً صادرکننده) قبل از انعقاد قرارداد بیمه بیش از بیمه‌گر در مورد ریسک تحت پوشش اطلاعات داشته است. بنابر این بیمه‌گذار دارای انگیزه بوده که اطلاعات را کتمان کرده یا نادرست ارائه داده است تا شاید در ارتباط قراردادی خود از مزیت بیشتری برخوردار شود. در این صورت بیمه‌گر، ناخودآگاه به انتخاب نامناسب^۴ دست می‌زند. بیمه‌گر قاعده‌تاً فقط اطلاعاتی کلی از توزیع ریسک نکول تعهدات در بیمه‌های اعتباری دارد، بدون آنکه اطلاعاتش در مورد ریسکهای خاص کامل باشد. در نتیجه به علت اطلاعات نامتقارن، امکان دریافت حق بیمه‌ای که از لحاظ محاسباتی عادلانه باشد از وی سلب می‌شود.

در شرایطی دیگر، بیمه‌گذار می‌تواند اقدامهایی برای کاهش احتمال وقوع خسارت یا نکول تعهدات به اجرا بگذارد. امکان اینکه بیمه‌گذار چنین اقدامهایی را انجام بدهد یا ندهد (در شرایطی که بیمه‌گر هیچ‌گونه نظارتی بر آنها نمی‌تواند اعمال کند) موجب

1. symmetric
3. asymmetric

2. UNCTAD, "Discussion Papers, No. 103".
4. adverse selection

دیگری برای پیدایش اطلاعات نامتقارن است. عامل این مسأله، «مخاطره اخلاقی» بیمه‌گذار خواننده می‌شود که بیمه‌گر را تهدید می‌کند. مسأله «انتخاب نامناسب» و «مخاطره اخلاقی» محدود به بیمه‌های اعتباری نیست بلکه در تمامی زمینه‌ها بیمه‌گران با این دو تهدید که می‌توانند پرتفوی آنان را برهم زنند مواجه هستند. البته در کمتر زمینه‌ای می‌توان این تهدیدها را تا این حد جدی دید، لذا نتیجه می‌گیریم که:

۱. در بیمه‌های اعتباری، بیمه‌گران افزون بر آنکه با توسل به شیوه‌های خاص باید بیمه‌ناپذیری ریسک را به نحوی تحت کنترل درآورند، باید با دو عامل «انتخاب نامناسب» و «مخاطره اخلاقی» به نحوی رفتار کنند که آسیب‌پذیری از ناحیه آنها را به حداقل برسانند.

۲. عامل «انتخاب نامناسب» ضرورت بیمه‌گران به اطلاعات را به طور اعم و اطلاعات در مورد وام‌گیرندگان را به طور اخص دیکته می‌کند. در اقتصادهای پیشرفته، سازمانهای خاصی به گردآوری، طبقه‌بندی و فروش این اطلاعات اشتغال دارند. در کشورهای در حال توسعه، چنین سازمانهایی کمتر حضور دارند لذا شرکتهای بیمه رأساً باید به تقویت بانک اطلاعاتی خود به صورتی جدی بیندیشند.

۳. تهدید ناشی از «مخاطره اخلاقی» را باید با ایجاد انگیزه لازم در بیمه‌گذار برای به اجرا گذاشتن اقدامهای ضروری خنثی کرد. با شریک کردن بیمه‌گذار در بخشی از خسارت محتمل (به عبارت دیگر، ارائه ندادن پوشش کامل به وی به نحوی که بخشی از خسارت را خود متحمل شود)، مقصود تا حدود زیادی حاصل می‌شود.

۵. نکاتی درباره بیمه اعتبارات

معاملات اعتباری به صورتهای گوناگونی انجام می‌پذیرند. در مباحثی که مورد اشاره قرار گرفت از آنجا که هدف، پرداختن به پاره‌ای از مسائل نظری بود لذا اشکال مختلف معاملات اعتباری حایز اهمیت نمی‌نمود، لیکن حال باید تصویر را واضح‌تر کرد و اضافه نمود که اولاً در تمامی معاملات اعتباری، ریسک به یک میزان شرطی نیست؛ ثانیاً قابلیت بیمه‌پذیری آن بسته به مورد و نوع معامله متفاوت است؛ و ثالثاً اطلاعات ناموزون یا نامتقارن نیز بسته به مورد به درجات متفاوت بیمه‌گر را تهدید می‌کند. بافت سازمانهای ارائه دهنده این نوع بیمه‌ها، به ویژه با حرکت عمومی بازارهای بیمه به سمت و سوی آزادسازی، چنان است که شاهد حضور شمار بیشتری از شرکتهای خصوصی فعال در

این زمینه هستیم لیکن هنوز حضور فعال نهادها یا شرکتهای بیمه دولتی را در این بخش از بازار بیمه نباید کم‌رنگ دید.

با توجه به نکات گفته شده و نتیجه‌گیری از آنها، می‌توان این حکم کلی را استخراج کرد که هرچه عنصر شرطی بودن ریسک در نوع معامله تجاری بیشتر، فاصله آن از شرایط بیمه‌پذیری وسیع‌تر و اطلاعات مربوط به آن کمتر در دسترس باشد، حضور دولت به صورت مرئی و نامرئی، لیکن انحصاری، ملموس‌تر خواهد بود. ریسک ناشی از نوسانهای سیاسی در اعتبارات صادراتی نمونه کاملی از این موارد به دست می‌دهد. متقابلاً در مواردی که شرایط آماده‌تر است و بیمه‌گران می‌توانند با اعمال کنترل‌های شناخته شده در بازار، ریسک شرطی مربوط را تحت نظارت و کنترل خود قرار دهند، ضرورتی برای اقدام مستقیم دولت، مگر در سطح نظارتی، مشاهده نمی‌شود.

منابع

۱. گوهریان، محمدابراهیم. مدیریت صادرات غیرنفتی (ج ۱)، مؤسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۴.
۲. میرزایی، پری. «بیمه و بانکداری: عوامل کلیدی در بهبود و توسعه تجارت». فصلنامه صنعت بیمه، سال دهم، شماره ۳۸.
۳. میرمحمدی، سید محمد. نقش بیمه‌های صادراتی و اهمیت آن در توسعه صادرات. جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵.
4. Campbell, Tim. *Financial Risk Management*, McGraw - Hill 1993.
5. Cecil, Bond. *Credit Management Handbook*, McGraw - Hill 1994.
6. Dawson, P.A. and March, J.G., *Handbook of Insurance*, Kluwer, 1991.
7. Dickson, C. A., *Risk Management*, CIL, 1991.
8. -----, "Concepts of Probability and Risk". *Handbook of Risk Management*, Kluwer, 1994.
9. Gordon, A., *Risk in Business Environment*, Witherby and Co. 1992.
10. Johnson, C.G., Fisher, M., and Harris, E., *Officially Supported Export Credits*, IMF, 1990.
11. Schiel, S. and Haniotis, T., "Should governments subsidize exports through E.C.I agencies". *UNCTAD Discussion Papers*, 1995.
12. UNCTAD, *Consideration of Guidelines of Key Sectors for Trade Efficiency: Banking and Insurance*, (td/b/wg. 2/11/ADD.3), 1994.
13. -----, *Insurance in Developing Countries: An Assessment and Review of Developments (1989-93)*, (SDD/INS/2/REV.1), 1994.